

مقدمه مترجم

رسالت پیامبر خدا (ص) تحولی شگرف در همه جوانب عصر خویش و دیگر عصرها پدید آورد. با اینکه دعوت از قریشیان حدود سیزده سال طول کشید، ولی سرانجام پیامبر خدا (ص) به این نتیجه رسید که برای پشتیبانی از دعوت جدید خود، باید کسانی جز قریشیان را به دین خدا فراخواند. در همین زمان مردم یثرب که در گذشته تاریخی خود تمدن را تجربه کرده بودند، التیام دردها و پاسخ نیازهای خود را در وجود پیامبر و دعوت او یافتند. بدین سبب او را به یثرب دعوت کردند و شهرشان را به نام شهر پیامبر (مدینه النبی) نامیدند. از این به بعد عرب مدینه یاری دین خدا را به عهده گرفتند و انصار نامیده شدند. مدینه به شهری تبدیل شد که نخستین تجربه حکومت اسلامی در آن ظهور یافت و پیامبر (ص) در کنار مسئولیت رسالت، عهده‌دار رهبری حکومت اسلامی نیز شد. این امر تحولات بسیاری در مدینه پدید آورد و آن شهر را به مرکزی درخور توجه در جزیره العرب تبدیل کرد. تدبیرهای حکیمانه پیامبر (ص) برای کاهش مشکلات و جلوگیری از بروز تنشها، الگویی عملی برای دوره‌های بعد و شهرهای دیگر شد. مشکل تنوع جمعیتی ناشی از گروه‌های متفاوت ساکن در مدینه، با تنظیم‌های مرحله‌ای پایان یافت. پیامبر (ص) عرب را از عصبیت قبیله‌ای دور کرد و به جای آن دینداری را در آنان به وجود آورد، سپس محله‌های شهر را بررسی کرد و مرکزیت آن به مسجدی انتقال داد که به هیچ طایفه و قبیله‌ای منتسب نبود.

با تأکید پیامبر (ص) و اسلام بر لزوم تأمین معیشت مردم، نشاط اقتصادی با بهره‌گیری از توانمندی‌های مدینه، به‌ویژه قرار گرفتن آن بر سر راه بازرگانی جزیره العرب، مردم را به شغلها و حرفه‌های متنوعی کشاند و در امور اقتصادی تحولی شگرف به وجود آورد.

توجه کردن به جنبه‌های گوناگون تاریخ اسلام از منظرهای متفاوت، همراه تاریخ سیاسی، از ویژگی‌های بارز کتاب جامعه مدینه در عصر نبوی (ص) است. عبدالله عبدالعزیز بن ادیس مؤلف محترم کتاب کوشیده است تا از زوایای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، دوره ده ساله رونق مدینه در عهد پیامبر (ص) را برنمایاند. این هدف با مراجعه به منابع بسیار تاریخ اسلام و نوشته‌های مورخان مسلمان و غور در آنها سبب جمع شدن مواد لازم برای نوشتن کتابی پیرامون جامعه مدینه شده است، تدوین و تألیف این کتاب نیازمند عزمی استوار و پشتکاری فراوان بوده که مؤلف، به خوبی از عهده آن برآمده است.

ترجمه این کتاب به زبان فارسی امکان آشنایی بیشتر مردم مسلمان ایران و علاقه‌مندان به بررسی‌های علمی مسائل تاریخ اسلام را فراهم کرده و مشتاقان به آگاهی از تدبیرهای حکیمانه پیامبر (ص) را با اقدامات ایشان جهت پی‌ریزی و استوار ساختن نخستین حکومت اسلامی آشنا خواهد کرد. بدین منظور این ترجمه را به جامعه علمی کشور و همه دوستداران رسول خدا (ص) تقدیم می‌کنم؛ باشد که آثار معنوی آن ما را به توجه عمیق و عالمانه به تلاشهای پیامبر اعظم (ص) رهنمون شود.

بر خود لازم می‌دانم از تلاش همه عزیزانی که مرا در این کار یاری کردند، تشکر و قدردانی نمایم.

تهران - 1385

شهلا بختیاری

مقدمه مؤلف

محمد(ص) رسول خدا، از زمانی که از سوی خداوند متعال به پیامبری مبعوث شد، نزدیک به سیزده سال در مکه ماند تا بنا بر وظیفه بشارت و بیم، مردم را به دین خدا فراخواند. او در این دوره برای گسترش دعوت خود در میان مردم، شتاب نکرد، تا آنان دعوت نوین را به درستی دریابند و از آن رویگردان نشوند.

در آن زمان وضعیت دینی و اقتصادی مکه چندان آماده نبود که بزرگان شهر دعوت محمد(ص) را که مغایر با نظم، عرف و اعتقادات حاکم بر درون و بیرون مکه بود، بپذیرند. آنان دریافته بودند که این دعوت، به زودی ریاست دینی و اقتصادی بر بیشتر قبائل عرب را از آنان خواهد گرفت. قبائلی که به علت نفوذ قوی قریش به عنوان اهل حرم و ساکنان مکه و نیز جایگاه والای کعبه و مناسک حج به آنان بخشیده بود، پیرو قریش بودند. افزون بر این، قریش نقش ویژه‌ای در حفظ تجارت بیشتر قبائل جزیره العرب و شکوفایی و پایداری آن داشت. این به سبب پیشی گرفتن آنان در پیمانهای دولتی برای استمرار تجارت بین جزیره العرب و خارج از آن بود که از طریق حمایت از کاروانها هنگام گذر از میان قبائل و دولتهای اطراف که با نام ایلاف (دوستی‌ها) و رحلات (کوچههای زمستانی و تابستانی) شناخته می‌شدند، صورت می‌گرفت.

با اینکه مشرکان قریش در ابتدا از دعوت محمد(ص) آگاه شده بودند، به آن توجه نکرده و اهمیت زیادی ندادند، اما پس از آن، هنگامی که پیامبر(ص) دعوت خود را آشکار کرد، آنان دریافتند که دعوت به اسلام، تهدیدی برای نفوذ و برتری آنان در مکه است؛ به‌ویژه که یکی از پایه‌های اساسی اسلام، پرستش خداوند یگانه و تحقیر چیزهایی بود که آنان همراه با خداوند متعال می‌پرستیدند. افزون بر آن، دعوت اسلامی حقوق انسانی را تضمین و برابری میان انسانها در حقوق و واجبات را امکان پذیر می‌کرد.

انتشار اصول اسلام در جامعه مکه، برای اسلام آوردن بسیاری از موالی، بردگان و جوانان آرمانگرا بیشترین اثر را داشت که از روی میل و ایمان و اعتقاد اسلام را بپذیرند؛ همچنین بر خشم و کینه بزرگان قریش افزود و آنان بر پیروان این دعوت خشم گرفتند و آنان را بسیار آزرده‌اند. تنها کسانی از این آزار و اذیت مستثنا بودند که دارای حامیان و پشتیبانان نیرومند بودند؛ چنین کسانی تنها از بخشی آزار و اذیتهای قریش برکنار بودند. هنگامی که پیامبر(ص) شدت آزار و رنج یاران ستم‌دیده‌اش را دریافت، دستور مهاجرت به حبشه را که سرزمین نجاشی مسیحی بود، صادر کرد. این مهاجرت، در جزیره‌العرب و شهرهای حبشه بسیار تأثیرگذار بود و اهمیت و ابعاد بزرگی یافت، به گونه‌ای که امکان تبلیغ مناسب برای اسلام را در یکی از مناطق جهان مسیحی فراهم کرد. همچنین به موقعیت پیامبر(ص) و یارانش اهمیت سیاسی بخشید و سبب شناسایی رهبر امت اسلامی از سوی حکومتها شد.

پیشتر بیان شد که وضعیت دینی، اقتصادی و اجتماعی مکه همزمان با آغاز انتشار اسلام آمادگی یا توانایی پذیرفتن دعوت اسلام را نداشت؛ از این رو پیامبر(ص) به عنوان دعوتگر همه جهانیان، از جایگاهی برتر سخن می‌گفت و برای گسترش دعوت خود زمینه‌سازی می‌کرد و امکان بنای حکومت نوین اسلامی را بر پایه و اساسی نیرومند و پایدار تضمین می‌کرد. او در موسم حج، خود را به افراد قبائل معرفی و از آنها دعوت می‌کرد که اسلام را بپذیرند و آن را یاری دهند که خیر دنیا و آخرت در آن است، اما از آنان جز سرپیچی و تمسخر، چیزی دریافت نکرد.

اندکی پیش از بعثت، قوم عرب در سراسر جزیره‌العرب به کارهایی اهتمام داشتند که هدف آن، تصحیح عقاید و طریقه ایمان به خداوند بود. از آن جمله اعتقاد اعراب به نزدیکی آمدن پیامبر مورد انتظار، با نام محمد، بود. به همین سبب در دوران جاهلی بسیاری از اعراب برای تبرک جستن به نام او و علاقه‌مندی به اینکه فرزندشان همان پیامبر منتظر باشد، آنها را «محمد» می‌نامیدند، شاید بتوان از این امر ماهیت اطاعت و پیروی اعراب از نفوذ قریش و تأثیر آنان

بر بیشتر قبائل را دریافت که سبب شد بدون دلیل و تفکر، تا زمانی که قریش به پیامبر (ص) ایمان نیاورده بودند، قبائل دیگر نیز محمد (ص) را یاری نکرده و به دعوت او ایمان نیاورند. این وضع، در مکه زیاد طول نکشید. خداوند برای پیامبر (ص) مقدر کرد که حدود سال دهم بعثت، گروهی از مردم یثرب (اوس و خزرج) در موسم حج نزد او آمدند؛ پیامبر (ص) نیز اسلام را به آنان عرضه کرد و آنان پذیرای این آیین شدند. این گروه سپس به یثرب بازگشتند و درباره اسلام سخن گفتند. افرادی از اوس و خزرج سخن آنان را پذیرفتند. از آن پس، اسلام به سرعت در یثرب گسترش یافت، تا آنجا که گفته می‌شود خانه‌ای نبود که در آن حرف رسول خدا (ص) نباشد. بیشتر مورخان مسلمان، مانند ابن اسحاق، دلیل اقبال سریع اوس و خزرج به پذیرش اسلام را با عوامل اجتماعی مرتبط می‌دانند. در ماهیت ترکیب ساکنان یثرب، از جمله عربها و یهودیان، رقابتی بر سر حاکمیت وجود داشت. یهودیان که در آن هنگام وضع پایداری نداشتند و به سبب ضعف نسبی در برابر اوس و خزرج نگران مرکزیت خود و ثروتهای بسیارشان بودند. افزون بر آن، اخباری مبنی بر ایمان اوس و خزرج به آمدن پیامبر موعود وجود داشت. یهود به اعتبار آنکه خود را اهل کتاب و دانش، و اوس و خزرج را بت پرست می‌شمرد، به هنگام احساس قدرت، آنان را تهدید می‌کرد که از پیامبر موعود پیروی کرده و با کمک وی، آنان را می‌کشد.

این وضعیت حاکم در یثرب به روی آوردن سریع اوس و خزرج به اسلام و پذیرفتن آن کمک کرد، به گونه ای که در مدتی کمتر از سه سال، اسلام میان آنان گسترش یافت. آنان در آن دوره به فراگیری قرآن و احکام دین بسیار علاقه‌مند بودند. بدین سبب در سال سیزدهم بعثت برای حج‌گزاری با پیامبر (ص)، در موسم حج به مکه رفتند و به بیعت با پیامبر (ص) و دعوت از او و یارانش مصمم شدند، تا با ایمان و فرمانبرداری، دین پروردگار را در مدینه گسترش دهند. این بیعت که با نام بیعت عقبه کبرا شناخته می‌شود، به هجرت پیامبر (ص) و یارانش به یثرب (مدینه) انجامید. در نتیجه این هجرت، نخستین جامعه اسلامی بر اساس دین جدید، تعالیم و قوانین آن پدید آمد.

از خوش‌اقبالی من، رأی موفق استاد راهنمایم دکتر عبدالرحمان طیب انصاری بود با آنچه که فکرم را به خود مشغول داشته بود و آن اهمیت پرداختن به موضوع جامعه مدینه منوره از آغاز هجرت پیامبر (ص) تا وفات آن حضرت بود. این امر از اعتقاد ژرف به این نکته نشأت می‌گرفت که: قوانین و پی‌ریزی شهری مدینه اسلامی، تصویر و الگوی اصلی برای جوامع اسلامی بود که پس از فتوحات مسلمانان تشکیل می‌شد؛ اگر در برخی مسائل نیز اختلافی وجود داشت، به حساب نمی‌آمد و تغییرهای ظاهری، مربوط به اصل موضوع نبود. از سوی دیگر، دیده می‌شود که دستیابی به شناخت حقیقی از گرد آمدن فرهنگ و تمدن نزد ملل مسلمان، به‌ویژه شناخت پایه‌ها و پی‌گیری مراحل تکوین آن، بدون آگاهی از چگونگی و ماهیت به وجود آمدن آن رونق یادشده به دست نمی‌آید. از این دیدگاه، موضوع این نوشتار از موضوعات جدید و بکر برای گروه تاریخ در دانشکده ادبیات شمرده شد و ما خواستیم موضوع بحثمان، برای دریافت درجه دکتری در تاریخ اسلام، در خصوص بررسی جامعه مدینه منوره در عصر پیامبر (ص) از نظر قوانین اداری، سیاسی و اجتماعی و اقتصادی باشد. از خداوند بزرگ خواستاریم که این کوشش فروتنانه، سرآغاز رقابتی سخت در راه یک بحث علمی و سرحلقه‌ای استوار و خجسته بر پایه علمی و نیز موضوعی در سلسله نگارشهای حوزه تاریخ اسلام باشد.

شیوه و مراحل نگارش این نوشتار سه مرحله داشت: نخست، مرحله مطالعه کلی درباره موضوع یا مسائل مرتبط به آن. مرحله دوم، مطالعه در موضوعهای مشخص و محدود که به اصل بحث و استواری آن کمک می‌کرد. برای رسیدن به این هدف، آنچه را که مفید و خوب یافتیم، جمع‌آوری و فیش‌برداری شد. مرحله سوم، مطالعه و نقد اطلاعات جمع‌آوری شده، همراه با مقایسه تطبیقی منابع.

در آغاز، من بر خواندن کتابهای سیره، تراجم، طبقات و اسامی صحابه تمرکز داشتم؛ زیرا شناخت رفتار افراد و اعمال آنان سرمایه بزرگی برای شناخت ماهیت جامعه است. افزون بر این، کتابهای تاریخ عمومی، تاریخ شهرها و جغرافیای مناطق را نیز مطالعه کردم. در کنار آن از مراجعه به قرآن کریم، که مهم‌ترین و مطمئن‌ترین منبع اسلامی در

امور عقیدتی و زندگی است، غافل نشدم. همچنین، به کتابهای فقه، حدیث، تفسیر و ... مراجعه کردم که خواندن آنها در شناخت محدوده بحث و سیر آن بسیار هدایتگر و بصیرت‌دهنده بود.

افزون بر بهره‌هایی که از کتابخانه ساده خویش در زمینه برخی منابع، مأخذ و نشریات برده‌ام، آنچه که به بررسی کتابهای مذکور کمک کرد، مراجعه مکرر من به بسیاری از کتابخانه‌هایی مانند کتابخانه مرکزی دانشگاه ریاض و بخش نسخه‌های خطی آن، کتابخانه دانشکده ادبیات، برخی کتابخانه‌های عمومی شهر ریاض مثل کتابخانه سعودیه و کتابخانه ملی بود. مراجعه من به کتابخانه‌ها تنها محدود به کتابخانه‌های ریاض نشد، بلکه به کتابخانه‌های مدینه و مکه نیز مراجعه کردم. در کنار بازدیدهای خارج از حجاز، به کتابخانه‌های عراق، مصر، ترکیه و بریتانیا رفتم...

شکر خدا در این راه به اطلاعات خوب و رضایت‌بخشی دست‌یافتیم که به من توانایی کار و آغاز نگارش داد، به گونه‌ای که بر این اساس، نظریات و تصوراتی که درباره موضوع و صورت پایانی بحث از نظر عنوان، موضوع و روش در ذهن داشتم، پی‌ریزی کردم: از نظر عنوان، نام جامعه مدینه منوره و نظام سیاسی و اجتماعی قبائل در عهد رسول خدا (ص) را برگزیدم و از نظر موضوع، میزان اصالت پی‌ریزی محله‌های مدینه و تنظیم قبائل آن در عصر نبوی را برای بررسی انتخاب کردم. همچنین، در ضمن پرداختن به جامعه مدینه، برخی عاداتها، آداب و رسوم و نیز ماهیت و تحول فعالیت اقتصادی و اجتماعی را در نظر داشتم. از مطالب یادشده برمی‌آید که موضوع نوشتار ما، اوضاع و احوال جامعه مدینه در فاصله زمانی هجرت رسول خدا (ص) و اصحاب به یثرب در سال 622 میلادی، تا سال وفات آن حضرت در سال 11 هجری / 632 میلادی را دربر می‌گیرد. روشن است که این دوره ده ساله، در عصر قانونگذاری و ایجاد دولتها دوره‌ای بسیار کوتاه است؛ از این‌رو، دشواری بررسی این موضوع در آغاز کار برای ما آشکار شد، که بی‌تردید صبر فراوان و کوشش بسیار پژوهشگر برای رسیدن به پیشرفت سریع در پیگیری رخدادهای تاریخی را می‌طلبید. توفیق خداوند و قصد صادفانه برای کار کردن در این موضوع با ارزش، بزرگ‌ترین سرمایه و مشوق ما برای کوشش تا رسیدن به پایان کار بود.

برای کسی که می‌خواهد درباره زمینه‌های سیاسی یا اجتماعی و اقتصادی جامعه آن دوران تحقیق کند، کتابهای طبقات، تراجم و نامهای صحابه مطالب پربار و مفید بسیار دارند، اما خواندن همه کتابهایی که در علم طبقات، تراجم و نام صحابه نگاشته شده، دشوار است؛ از این رو بهترین کار، انتخاب یکی از آنهاست که به طور عمیق بررسی عمیق شود و شرایط تمایز کتابهای مختص به ذکر نام صحابه، از یکدیگر شناخته شود. بدین جهت، این سخن ابن‌اثیر درباره مؤلفان نام صحابه نصب‌العین قرار گرفت: کسانی که درباره نامهای صحابه کتابهای بسیاری گرد آورده و برخی از آنان بسیاری از نامهای صحابه را در کتابهای انسب و مغازی و ... آورده‌اند، اهداف متفاوتی دارند، اما کسانی که اصل و اساس گردآوری نام صحابه به آنان می‌رسد این افرادند: حافظ ابو عبدالله ابن‌منده اصفهانی و حافظ ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، امام ابو عمر بن عبدالبر و دیگران. پس از این گروه، کسی همچون حافظ ابوموسی محمد بن ابی‌بکر بن ابی عیسی اصفهانی است که آنچه را که ابن‌منده در کتابش نیاورده بود، تکمیل کرد و حدود دوسوم کتاب ابن‌منده بر آن افزوده شد. بهتر آن دیدم که کتابی جامع بین این کتابها را در نظر گیرم و موارد نادری که ابوعلی غسانی، بر ابو عمر بن عبدالبر افزوده، به آن اضافه کنم.¹

چنان شد که برترین تصنیف را که می‌توانست پایه بررسی کتابهای نگاشته‌شده درباره نام صحابه باشد، کتاب ابن حجر عسقلانی (م 852 ه / 1449 م)² به نام *الاصابه فی تمییز الصحابه* را یافتیم. این کتاب با آثار با ارزش در شناخت

¹. ابن‌اثیر، *اسد الغابه*، ج 1، ص 3-4.

². ابن‌حجر، همان احمد بن علی بن محمد بن علی بن احمد، ملقب به استاد امام‌الائمه ابوالفضل الکنانی العسقلانی المصری و قاهری شافعی است که در سال 773 ه در مصر متولد شد و در آنجا رشد یافت و نزد بسیاری از بزرگان در علم قرانت، حدیث و علوم مربوط به آن و حفظ متون و ادب، درس آموخت. ر. ک، سخاوی، *الضوء اللامع*، ج 2، ص 36-37.

احوال صحابه و جامعه مدینه منوره در روزگار رسول خدا(ص) و کامل‌ترین کتابی است که در این زمینه نوشته شده است. ابن حجر به امانت‌داری، ثقه بودن و حفظ و شناخت کامل، ذهن نقاد، زیرکی و داشتن علم فراوان در فنون مختلف، معروف است. چنانکه گواهی داده‌اند وی آگاه‌ترین افراد عصر خود در علم حدیث بود.³

الاصابة فی تمییز الصحابه در چهار جزء نوشته شده⁴ که روش او در نگارش شرح حال زنان و مردان صحابه به ترتیب حروف الفباست. جزء چهارم به کنیه‌ها و زنان اختصاص دارد. این کتاب کامل‌تر از کتاب اسدالغابه فی معرفه الصحابه نوشته سلف او، یعنی ابن‌اثیر (م 630 / 1238م) به شمار می‌رود. ابن حجر عسقلانی با افزودن به مطالب ابن‌اثیر، شرح حالها را به بیش از سیزده هزار مورد رسانده است.

استفاده من از کتاب الاصابة بسیار زیاد بود، به‌ویژه در زمینه‌های قانونگذاری و اجتماعی به اطلاعات من افزود. اطلاعاتی که چه‌بسا پیش از این نیز به ما رسیده بود، یا اینکه ما از آنها آگاه شده بودیم، اما با بی‌اعتنایی از کنار آن گذشته بودیم. در حالی که آن کتاب در شرح و توصیف جامعه و افراد، مطالب و اطلاعات بسیاری داشت. مطالبی که درباره ابن حجر و الاصابة، به عنوان یکی از تصنیفات با ارزش در شرح حال صحابه گفته شد، باید به طور خلاصه در مورد دیگر منابع و مآخذ نیز که در نگارش این تحقیق به طور کلی از آنها استفاده شده، گفته شود. این منابع و مراجع، به چند دسته تقسیم می‌شوند:

نخستین دسته، کتابهای سیره، طبقات و نامهای صحابه است و در رأس این مجموعه، کتاب سیره النبی(ص) نوشته ابن‌اسحاق (م 151 / 762 م)، با تهذیب عبدالملک بن هشام (م 218 / 833 م)⁵ و قدیمی‌ترین اثر از آثار علمای مسلمان به شمار می‌آید که به دست ما رسیده است. ابن‌اسحاق نیز از نخستین کسانی است که مغازی پیامبر(ص) را گرد آورده‌اند.⁶ در مورد او گفته‌اند: تا زمانی که محمد بن اسحاق زنده بود، پیوسته علم در میان مردم بود. او در علم حدیث نزد بیشتر عالمان شناخته شده بود، اما در مغازی و سیره استادی او نباید مورد غفلت واقع شود.⁷ مراجعه من به سیره ابن‌اسحاق برای نگارش این رساله، یکی در زمینه‌سازی‌های مرتبط با هجرت به مدینه و به دنبال آن، مسئله بیعت کبرا بود که میان پیامبر(ص) و اهالی یثرب (اوس و خزرج)، انجام شد و دیگر در امور مربوط به حرکت سریه‌ها، جنگها و عهدنامه‌های عصر نبوی بود. همچنین به کتاب واقدی (م 207 ه) معروف به مغازی رسول الله نیز مراجعه کردم. واقدی به راستگویی و ثقه بودن معروف است.⁸ کتاب او در زمینه‌هایی که او بدان علاقه داشت همچون تاریخ سیاسی و نظامی و برخی امور اجتماعی همچون ماهیت مشارکت اجتماعی و سطح معیشت در مدینه به من کمک کرد. کتاب الطبقات الکبری، نوشته ابن‌سعد (م 230 / 845 م) به دلیل اطلاعات بسیار خوب به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین در وضع اجتماعی و طریقه معیشت در عصر نبوی، دیگر مدرسان من بود. الطبقات الکبری از موثق‌ترین کتابهای نوشته شده در این علم به شمار می‌آید. چنانکه کتاب ابن‌قدامة (م 620 ه) الاستبصار فی نسب الصحابه من الانصار از کتابهای با ارزشی شمرده می‌شود که اطلاعات کاملی در مورد دو قبیله اوس و خزرج، انساب آنها، پذیرفتن

³. همان، ج 2، ص 40.

⁴. مطبه السعادة، ط 1، قاهره، 1328 هـ در حاشیه آن، کتاب الاستیعاب فی معرفة الاصحاب نوشته ابن‌عبدالبر متوفی 463 هـ / 1070 م است. چاپی غیر از چاپی که ما به آن رجوع کردیم، وجود دارد که 8 جزء است (مطبعه السعادة، مصر، 1323-1325 هـ) و جزء هشتم آن به اسامی زنان صحابی اختصاص دارد.

⁵. ر.ک: ابن‌اسحاق، السیره، ج 1، ص 10-11، مقدمه محقق محمد محیی‌الدین عبدالحمید.

⁶. همان، ج 1، ص 9.

⁷. قنوجی، التاج المکمل، ص 111-112.

⁸. همان، ص 123.

اسلام از سوی آنان و نقش عظیم آنها در حمایت از دعوت اسلامی و برپا داشتن دولت هجرت در مدینه دارد. من به سبب رغبت به استفاده از حواشی کتاب، از نسخه خطی آن استفاده کردم.⁹ افزون بر آن در این زمینه به کتابهای متعددی مثل کتاب الاستیعاب فی اسماء الاصحاب نوشته ابن عبدالبر (م 463/ 1070م) و کتاب السیرة النبویه نوشته ابن کثیر (774ه/ 1373م) و کتاب سیر اعلام النبلاء نوشته ذهبی (م 784/ 1348م) و نیز کتابهای دیگر مراجعه کردم که نام آنها را در پایان بحث خواهم آورد.

مجموعه دوم، از منابع مورد استناد و استفاده، کتابهای فقه، حدیث و تفسیر است که به دلیل گزارشهای بسیار دقیق و مفید به من کمک کرد، به ویژه در شناخت اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی مدینه اطلاعات دقیق و خاص زیادی درباره مسائل و امور جاری جامعه مدینه در عهد پیامبر (ص) داشت. در رأس این دسته، کتابهای برجسته‌ای قرار دارد که برای نخستین بار در این زمینه نگاشته و یا تصحیح شده است؛ کتابهایی از قبیل کتاب المؤطأ نوشته مالک بن انس (م 179/ 795م) و صحیح بخاری (م 256/ 870م) و صحیح مسلم (م 261ه) و تفسیر جامع البیان عن تاویل آی القرآن طبری (م 310/ 923م) و کتابهای دیگری در باب سنت، حدیث و فقه.

مجموعه سوم، منابع و مراجع، کتابهای تاریخ عمومی است؛ از قبیل کتاب طبری (م 310/ 923م) به نام تاریخ طبری، استفاده ویژه من از این کتاب، نوشته‌های او در مورد سیره رسول خدا (ص) است که از موثق‌ترین کتابهای نگاشته شده در سیره پیامبر به شمار می‌آید. در کنار آن کتاب الکامل فی التاریخ ابن اثیر و کتاب البدایة و النهایة فی التاریخ ابن کثیر و کتاب ابن خلدون (م 808/ 1405م) معروف به تاریخ ابن خلدون است. همچنین کتابهای دیگری که نام آنها را در فهرست منابع و مأخذ خواهم آورد. استفاده من از مجموعه یادشده، به طور عام، مراجعه به آنها بود. مراجعه یا برای مقایسه متون و شناخت نحوه استخراج مطالب، یا برای تفسیر امور غامض و یا برای شرح و بسط امور مجمل و خلاصه.

مجموعه چهارم، ماهیت این بحث، مراجعه کردن به بسیاری از کتابهای مرتبط به علوم و فنون مختلفی را می‌طلبد که در این دسته به نام «اطلاعات عمومی» قرار دارد؛ علومی همچون: انساب، لغات، فنون، طب، آثار، و نائق، احکام و... که به آنها اشاره خواهیم کرد. شاید بارزترین نمونه افرادی که در این شاخه‌ها کار کرده‌اند، افراد ذیل باشند: بلاذری (م 279/ 892م) در کتاب انساب الاشراف، ابن حزم (م 456/ 1064م) در کتاب جمهره انساب العرب، ابن درید (م 321/ 933م) در کتاب الاشتقاق، ابن منظور (م 711/ 1311م) در کتاب لسان العرب المحیط، ابن جلجل (زنده تا سال 384ه) در کتاب طبقات اطباء و الحکماء و افراد دیگری که در فهرست منابع خواهد آمد.

مجموعه پنجم، کتابهایی است که از تاریخ شهرها، به وجود آمدن محله‌ها و جغرافیای شهرها سخن می‌گویند. با اشتیاق زیادی که به مطالعه آنها و استفاده از گزارشهای آنها داشتم، دریافتیم که آنها به موضوع بحث ما ارتباط بسیار زیادی دارد. از جمله این کتابها، تصنیفاتی است که اختصاص به تاریخ مدینه منوره دارد؛ از قبیل کتاب اخبار مدینه الرسول معروف به الدرۃ الثمینة فی اخبار المدینه نوشته ابن النجار (م 647ه) و کتاب التعریف بما انست الهجره من معالم دارالهجره نوشته مطری (م 741ه) و کتاب تاریخ الهجره المختار نوشته مرجانی (م 781ه) و کتاب وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی نوشته سمهودی. افزون بر آن، اشتیاق زیادی در مراجعه به کتابهای خطی قدیم و جدید داشتم، برای مثال کتاب المواعظ و الاعتبار فی ذکر الخطط و الآثار نوشته مقریزی (م 845/ 1441م) که در کار مقایسه محله‌های شهرها برایم مفید بود. علاوه بر آن چند کتاب جدید درباره محله‌ها وجود داشت مثل کتاب خطط الکوفه و شرح خریطتها نوشته لوثی ماسینیون مستشرق. در رأس کتابهای جغرافیای شهرها، کتاب المسالك و الممالک نوشته اصطخری (متوفی نیمه قرن چهارم هجری) و نیز کتاب معجم البلدان نوشته یاقوت حموی (م 626/ 1228م) قرار دارد. در این ردیف

⁹ ر.ک: نسخه چاپ شده، تحقیق علی نویهض، بیروت، 1971م.

کتابهایی قرار دارند که شناخت بیشتر مواضع جغرافیایی جزیره العرب را، که در میان بحث آمده، همراه با مقایسه نامها در آن زمان برابیم امکان پذیر کرد. در پایان بحث در فهرست منابع و مآخذ، نام کتابهایی را که در تاریخ مدینه منوره، محله‌های آن و موارد دیگر و چیزهایی که به موضوع از نظر محله‌ها و جغرافیا ارتباط دارد، مطالعه خواهیم کرد.

مجموعه ششم، مراجعه به کتابهای فرهنگ، دیوان شاعران و برخی مجلات علمی معتبر است که مجموعه پایانی در این سلسله از منابع و مراجع است و من در نگارش این بحث بر آنها تکیه کردم.

درباره طراحی و شکل کار، پس از انتخاب موضوع، هیچ‌یک از منابع مکتوب، فروگذاشته نشد. با این همه نخواستیم حقیقت را بپوشانیم و مطالب را تنها موافق با رأی و نظر خود بیاوریم، به این دلیل پیش از آنکه به موضوع پرداخته و مواد آن جمع شود، خود را مقید به طرح تحقیق کردم و تحقیق - در حقیقت مواد جمع شده - به سه باب تقسیم شد. هر باب شامل چند موضوع بود که بر حسب نگارش تحقیق و ارتباط با موضوعات دیگر در چندین فصل نوشته شد.

باب نخست، به ذکر گروه‌های ساکن در مدینه در عهد پیامبر(ص) اختصاص یافته است، و در سه فصل است.

فصل اول، با عنوان بررسی‌های زمینه‌ای شامل دو بخش است: بخش یکم، پژوهش مختصری درباره جغرافیای تاریخی مدینه با اشاره به نامهای قدیم و اسلامی آن است. بخش دوم در مورد اهمیت جایگاه اقتصادی مدینه میان شمال و جنوب است. بهتر آن دیدم که آغاز مطلب با این فصل باشد تا ذهن خواننده آماده شود و اطلاعاتی درباره مسائل جغرافیایی، اقتصادی و توپوگرافی مدینه و نقش آن در جذب و طرد مردم ساکن در شهر در اعصار مختلف به دست آورد. در بخش یکم این فصل، خواننده درباره موقعیت جغرافیایی مدینه در جزیره العرب و همچنین درباره پستی و بلندی‌ها، ناهمواری‌ها و نوع خاک آن که آتشفشانی و گدازه است، اطلاعاتی خواهد یافت. در این بخش از ذکر نامهای قدیمی و اسلامی مدینه غفلت نشده است، زیرا نامها به اهمیت جغرافیایی، تاریخی و اقتصادی شهر اشاره می‌کند که بر بالندگی منطقه مدینه تأکید دارد و آن هنگامی است که می‌بینیم نامهایی که در قدیم مصطلح بوده، تا دوره‌های معاصر نیز وجود دارد. در بخش دوم علاقه‌مند بودم که به اهمیت موقعیت اقتصادی مدینه، به عنوان ایستگاه و پایانه‌ای تجاری در مرکز غرب جزیره العرب توجه شود، این راه پیش از اسلام میان جنوب، شمال و شرق ارتباط برقرار می‌کرد. علاوه بر آن علاقه‌مند بودم که به فعالیت ساکنان در امور تولیدی که بیشتر بر زراعت و به‌ویژه نخلداری، متمرکز بود، اشاره کنم که مدینه به زراعت و کاشت آن مشهور بود.

فصل دوم، به عناصر ساکن در مدینه پیش و پس از اسلام اختصاص دارد. به این جهت در بخش اول این فصل، به قبائل یهود و حضور آنان در منطقه و ماهیت آن می‌پردازیم. در حقیقت کوشش شده که به نژاد برخی قبائل یهود اشاره شود و نظریه یهودی شدن برخی قبائل عرب بررسی شود. همچنین از ارائه آمار تقریبی تعداد یهودیان غفلت نشده و به وضع اقتصادی و اجتماعی آنان پیش و پس از هجرت پیامبر توجه شده است؛ زیرا معروف است که حضور یهود در مدینه پس از هجرت رسول خدا(ص)، به دلیل برخی اقدامات آنها، دوام زیادی پیدا نکرد. بدین جهت ما قصد داریم در خلال بحث، ماهیت خواسته‌های آنان در برابر اسلام و پیروی از آن را در مدینه بیان کنیم. همچنین این تحقیق به میزان ستیزه و عناد بزرگ آنان در مسئله ایمان به محمد، رسول خدا(ص) با وجود شناخت نشانه‌های نبوت او که در کتابهای احبار یهود ذکر شده بود، اشاره می‌کند. سخن از یهود با ذکر برخی عناصر دینی غیر یهودی در مدینه پس از ترک شهر از سوی افراد و قبائل بزرگ یهودی به پایان می‌رسد.

بخش دوم این فصل به دو قبیله اوس و خزرج و هم پیمانان عرب آنها و نیز نسب، شاخه‌ها و زمان هجرت آنان از یمن به مدینه پرداخته است. در این بخش ماهیت روابط آنان و یهود پس از هجرت روشن شده است. همچنین کوشش شده تا حدودی ماهیت ارتباط اوس و خزرج با قدرت سیاسی شام و میزان تمکین رومیان از آنها و پیروزی اوس و خزرج در عزل سیاسی کسی که متعرض آنان شده - به امید وارد کردن آنان در رقابت با ایران و هم‌پیمانان یهودی آنان - روشن شود. در این بخش به نقش و پیشگامی اوس و خزرج در یاری اسلام و دعوت از رسول خدا(ص) و اصحاب آن

حضرت برای هجرت به مدینه و اینکه نزد آنان عزیز و محترم باشند، اشاره می‌شود. از اشاره به وضع منافقان نیز غفلت نشده است، آنها گروه کوچکی - اغلب از اوس و خزرج - بودند که استقرار پیامبر (ص) و مهاجران را در مدینه تهدیدی برای سیادت و تعدی به حقوق ملی خود می‌دانستند. در رأس آنان شخصی به نام عبدالله بن ابی بن سلول قرار داشت. در پایان این فصل به حلیفان عرب انصار ذکر شده است و نام چندین قبیله که به تنهایی هم‌پیمان اوس و خزرج بودند، با ذکر ماهیت و علل هم‌پیمانی آنان آمده است. بخش سوم این فصل، به سخن از وضع موالی و بردگان در جامعه مدینه در عصر نبوی اختصاص دارد. این پژوهش همچنین به مهم‌ترین منابع تأمین آنان اشاره می‌کند و از شغل و حرفه آنان و تأثیرشان در جامعه سخن گفته شده است. بخش چهارم، به سخن از دو قبیله قریش و ثقیف اختصاص یافته است، به گونه‌ای که از روابط قدیمی آنان آغاز شده، سپس به اسلام آوردن و چگونگی هجرت آنان به مدینه پرداخته و به جایگاه قریش و ثقیف در اسلام و نقش و مشارکت آنان در بیشتر فعالیتهای اجتماعی اشاره شده است. بخش پایانی فصل دوم نیز به ذکر دیگر مهاجران از قبائل عرب و نسب آنها اختصاص دارد. سعی شده است آمار تقریبی از تعداد آنان و همه صحابه در مدینه داده شود. افزون بر آن در این فصل به میانگین تعداد مهاجرتها به مدینه و علل گمراهی برخی مهاجران قبائل و دلیل ماندن آنها در سرزمینشان اشاره می‌شود. در این بخش به سبب فعالیت بیشتر مهاجران در جامعه مدینه، به فعالیت آنان در زمینه‌های عمومی، دینی، علمی، نظامی و... اشاره خواهد شد.

فصل سوم، در مورد وضع عمومی ساکنان مدینه پس از هجرت است. بخش نخست این فصل به زمینه‌های اجتماعی عمومی می‌پردازد، از جمله آنکه: دعوت به هجرت، هنگامی که به آن فراخوانده می‌شوند، عملی لازم و ضروری برای ایجاد یک جامعه شهری کامل و قادر بر حمایت از دین و تبلیغ آن برای جهانیان است و یا مانند آمادگی روحی و سیاسی مسلمانان، که قادر به حمایت از اسلام و نشر آن باشند.

همچنین این پژوهش به دلیل زیاد بودن قبائل مدینه و اختلاف نژادها، به مسائل اجتماعی دیگری مانند مسئله سازگاری در مدینه - اعم از سازگاری با آب و هوا و یا سازگاری با آداب و رسوم جامعه جدید - پرداخته است. رویارویی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از هجرت، مثل افزایش تعداد ساکنان و به دست آوردن سطح معیشتی نیز مورد نظر بوده است. در بخش دوم به روابط اجتماعی ساکنان مدینه و روابط خویشاوندی میان قریش و انصار و نیز قریش با سایر قبائل مهاجر بحث شده و به روابط اجتماعی انصار و سایر مهاجران توجه شده است. در پایان نیز به مجالس و انجمنهای عمومی که مراکز اجتماعی و سیاسی برای همفکری و مشورت، یا برای آسودگی مردم بودند اشاره می‌شود.

باب دوم، به ذکر قانونگذاری سیاسی، اجتماعی و اداری قبائل اختصاص دارد. پژوهش در مورد قانونگذاری‌ها با مشکلات بزرگی همراه است، شاید یکی از مهم‌ترین مشکلات، ماهیت تطبیقی برخی قوانین است که باعث می‌شود معتقد شویم که هدف قانونگذاری‌ها، اجبار مردم برای تطبیق با قانون نبود، بلکه به اندازه‌ای که قبائل را به آن عادت داده و رغبت مردم به رفتار در چارچوب اسلامی و سلوکی متعادل و همگانی جلب کند. متون صریحی وجود ندارد که بتوان آنها را نامه‌های مکتوب مرتبط به قانونگذاری‌های اداری، سیاسی و اجتماعی مدینه در عصر نبوی دانست. بدین جهت در بحث قوانین، تکیه ما بر تحلیل متون تاریخی است که به طور کلی جامعه مدینه در عصر نبوی را دربرمی‌گرفت. با اشتیاق بسیار به قرآن کریم، احادیث پیامبر و نیز کتابهای تفسیر و فقه مراجعه شد تا معلوماتی که در این زمینه وجود دارد، استخراج شود. محقق بسیار مشتاق بود تا شواهد و وقایع تاریخی مربوط به موضوع را تا حد امکان با دلیل و برهان ارائه دهد و در این زمینه از تحمیل معنای تاریخی و لغوی بر نصوصی که آن معانی را برنمی‌تافت اجتناب شد.

باب تنظیمات به دو فصل تقسیم شده است. فصل نخست به ذکر مراحل عمومی تنظیم قبائل اختصاص دارد که سه مرحله است: مرحله اول تنظیم عشیره‌ای، که با شکل‌گیری جامعه اسلامی، اهمیت پیروی از آن تنظیم ضروری بود

که به آن اشاره و برخی اهداف و وظایف آن بیان شده است. این تنظیم با مشارکت دادن قبائل در ایجاد حکومت و مؤسسات ویژه آن در رأس و سپس در همه زمینه‌های اجتماعی، دینی، نظامی و دیگر زمینه‌ها آغاز می‌شود. چنانکه به اداره داخلی تنظیم عشیره‌ای و اهمیت آن در تقویت کیان جامعه اشاره شد، به ریاست نظام عشیره‌ای و اهمیت کار نقیب در جامعه مدینه به طور عام اشاره شده است.

مرحله دوم که تنظیم اجتماعی است، مرحله بعد از مرحله تنظیم عشیره‌ای شناخته می‌شود، اما در واقع با مرحله اول و با مرحله سوم یعنی تنظیم براساس حبّ وطن یا سرزمین مرتبط است. چنانکه در خلال بحث خواهیم دید، این مرحله به معنای هر نظامی که از خلال اتفاقات جامعه مدینه ظهور یابد، ضرورتاً به معنای برتر و از بین‌برنده وضع پیش از خود نیست، تا بکوشد با شناخت مزایای این تنظیمها و عادت دادن قبائل به آنها و تطبیق با آن شرایط فراهم شود. این بدان معناست که چه‌بسا رفتاری مطابق نظام عشیره‌ای بیابیم که در مقطعی رخ دهد که گمان می‌رود مرحله نظام اجتماعی است و یا به‌عکس آن. این نوشته در خلال بحث در تنظیم اجتماعی به مهم‌ترین ابزارها و وظایف این تنظیم پرداخته، که از جمله آنها تأسیس مسجد جامع در مرکز مدینه است. این مسجد که به نام مسجد مدینه خوانده می‌شد، از دیگر مساجد منتسب به قبائل، طوایف یا عشیره‌ها، متمایز بود. همچنین به ابزار دیگری در تنظیم اجتماعی که «برادری خاص» میان مسلمانان است اشاره می‌شود. بدین سبب، از ظهور، چگونگی عقد، استمرار، اهداف آن و اساسی که این پیمان بر آن بنا شده، بحث خواهد شد. همچنین در این بحث به تنظیم پیوند خویشاوندی اشاره می‌شود که بر جمع آوردن تعدادی از قبائل و عشیره‌های منتسب به قبیله‌ای واحد و تحت یک پرچم متکی بود. این نیز از ابزار دیگری برای پیوند میان همه مسلمانان است، که به وحدت عمومی قبائل در تنظیم نظامی و اجتماعی تحت یک پرچم اتمام دارد.

مرحله پایانی این فصل به تنظیم سیاسی، اداری و اجتماعی قبائل براساس عصبیت وطن یا سرزمین اختصاص دارد که مرحله نهائی و تکامل یافته در تنظیمات است. پژوهش در اینجا بر نقش تنظیم در عادت دادن قبائل به دوری تدریجی از عصبیت قبیله‌ای تأکید دارد، که از اساس قوی و حکیمانه‌ای از قبیل اشتیاق بر انتساب قبائل به وطنشان و تعیین والی بر قبیله، و برخی شهرها و نواحی که تعدادی قبیله و عشیره مختلف در آن جمع شده بودند، پیروی می‌کند.

فصل دوم باب تنظیمات، به موضوع محله‌ها و ساختار شهر مدینه و جایگاه قبائل در آن در عصر نبوی اختصاص دارد. این فصل به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود:

بخش نخست به آبادی محل مدینه پیش از هجرت و ذکر محله‌های انصار اختصاص دارد و به بررسی تاریخ تجمع مردم در مدینه از گذشته‌های دور تا ظهور اسلام می‌پردازد. سپس به طور تفصیلی به ذکر محله‌های انصار و کسانی از یهود که هنگام هجرت پیامبر (ص) به مدینه با آنها ساکن بودند، می‌پردازد. پس از آن به ذکر عواملی می‌پردازد که باعث شد گروه‌هایی از ساکنان، در منطقه‌ای از مدینه بیش از دیگر جاها سکونت کنند.

بخش دوم پژوهش به دلایل انتخاب جایگاه مدینه و محله‌های آن می‌پردازد و همراه آن به عوامل دیگری اشاره می‌شود که سبب شد رسول خدا (ص) و مسلمانان درون مدینه یا وسط آن را به عنوان هسته اصلی برای ساختن مسجد و سکونت دادن مهاجران و گروه‌هایی از انصار انتخاب کنند.

بخش سوم پژوهش به بررسی تحول ساختار مدینه و سکونت مهاجران، با اشاره به مساحت شهر و توسعه محله‌های مهاجران اختصاص دارد.

بخش چهارم نیز به ذکر آثار پیریزی محله‌های مدینه بر دیگر شهرهای اسلامی پرداخته شده است. همچنین به وجوه تشابه و اختلاف تخطیط مدینه و برخی شهرهای اسلامی که بعد از فتوحات پیریزی شد، پرداخته می‌شود. همچنین میزان و سطح تأثیر تخطیط مدینه بر قوانین و ساختار محله‌های آن شهرها روشن شده است.

باب سوم، که بحث پایانی است، به مظاهر زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در عصر نبوی در جامعه مدینه اختصاص دارد. این باب به سه فصل تقسیم می‌شود:

فصل نخست به مظاهر زندگی اجتماعی اختصاص دارد که طی آن وضع معیشت مردم، با اشاره مختصری به اهل صُفّه (مسلمانان فقیر) و پس از آن منازل هیئتهای اعزامی بررسی می‌شود. کوشش شده است تا وضع عمومی اقتصادی ساکنان مدینه نیز روشن شود. در کنار آن به حدود نوسان وضع و سطح معیشت در بیشتر سالهای پس از هجرت اشاره شده که پس از فتح خیبر و تبوک، به‌ویژه پس از فتح مکه، وضعیت عمومی استقرار پیدا کرد. همراه این بحث به موضوع صُفّه، که اقامتگاهی در انتهای مسجد بود و فقیران اغلب بدانجا پناه می‌بردند، پرداخته‌ایم. کارکرد اجتماعی مسجد دارای اهمیت بود؛ زیرا هدف آن کمک به بیچارگان، فقیران و در راه‌ماندگان برای کاهش مشکلات آنان بود. همچنین در این بررسی، سخن از منازل وفود یا مهمانان پیامبر (ص)، که در مدینه نزد او می‌آمدند بحث می‌شود. در این فصل به پدیده بهره‌گیری مردم مدینه از بردگان و موالی در بیشتر کارها اشاره می‌شود. چه بسا مهم‌ترین نتیجه آن، روی آوردن بیشتر مسلمانان به جهاد و نشر اسلام بود که وجود بردگان ضرورت اجتماعی پیدا کرد. در این پژوهش، به نوع این بردگان و نیز کارهایی که در مدینه انجام دادند، اشاره می‌کند.

فصل دوم به وضع اقتصادی از جمله: زراعت، تجارت و حرفه‌ها و شغل‌های عمومی اختصاص دارد. در مورد زراعت، به اهمیت زراعی مدینه پرداخته شده است که ناشی از وجود خاکهای آتشفشانی و حاصلخیز به همراه افراد ماهر در امر زراعت بود. همچنین به گسترش زراعت پس از هجرت و نقش مهاجران در آن بررسی شده است. سپس به برخی محصولات زراعی مدینه و بیان اهمیت آن در افزایش غذای ساکنان و تأثیر آن در دیگر جنبه‌های زندگی اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است.

در خصوص تجارت، مدینه دارای فعالیت تجاری حساسی در جاهلیت و اسلام بود. این فعالیت تجاری به این دلیل بود که مدینه چندین بازار تجاری برای مبادله انواع کالاهای تجاری داشت. مهم‌ترین این بازارها و قوانین آن، کالاهایی که از خارج به آن وارد می‌شد، حجم مبادلات خارجی، اساس تعامل تجاری میان ساکنان، انواع سکه‌ها، اوزان و مقیاسهای معروف، از بحثهای این فصل است.

در مورد شغلها و حرفه‌های عمومی، که آخرین بخش فصل دوم است، با وجود اشتغال بیشتر ساکنان اصلی شهر به کشاورزی و تجارت، گروهی از جمله موالی به انواع حرفه‌ها و صنایع عمومی می‌پرداختند که در کنار توجه به کشاورزی و تجارت صورت می‌گرفت.

در **فصل سوم**، که فصل پایانی است، بهتر آن دیدیم که در چارچوبی جامع و کافی، گوشه‌هایی از حیات عمومی جامعه مدینه به‌ویژه در بخشهای علمی، فرهنگی، ارائه شود تا در ارائه تصویری واضح و کامل از مدینه - که موضوع تحقیق است - به خواننده کمک کند.

در پایان از خداوند متعال می‌خواهم که این کوشش فروتنانه در نگارش تاریخ اسلام، باب خیری برای عرضه امثال این پژوهش و پیشرفته‌ها به دست دانشجویان و خادمان علم در مؤسسات دانشگاهی و علمی باشد. و خداوند تأییدکننده و هدایت‌کننده به راه درست است.

ریاض، ربیع الاول، 1399 ق.

عبدالله عبدالعزیز بن ادريس